

فرجام روزگار وزرای ایرانی در کتاب

نسائم الاسحار من لطائم الاخبار

○ فریدون شایسته

○ نسائم الاسحار من لطائم

الاخبار در تاریخ وزراء

○ تألیف: ناصرالدین منشی

کرمانی

○ به تصحیح، مقدمه و تعلیق:

میرجلال الدین حسینی ارموی

(محدث)

○ ناشر: انتشارات اطلاعات،

تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۴،

۱۶۰+۱۰۰ ص.



حضوری نویسنده از اوضاع و احوال دوران. مرحوم محدث مهمترین نقص فاحش کتاب را عدم ذکر وزرای آل بویه دانسته است. مرحوم دکتر زرین کوب در معرفی منابع مهم شرح رجال، تذکرها و وقایع مشاهیر از کتاب نسائم الاسحار چنین یاد کرده است: «از مأخذ مهم فارسی در باب ترجمه احوال مشاهیر غیر از تجارب السلف که ترجمه و تکمله کتاب الفخری بشمار است می‌توان کتاب نسائم الاسحار من لطائم الاخبار را نام برد که مؤلف آن معلوم نیست و به موجب حدسی آن را تألیف ناصرالدین منشی کرمانی دانسته‌اند این کتاب ترجمه احوال عده‌ای از وزراء و رجال اسلامی ایران را تا عهد ایلخانیان (حدود ۷۲۵) حاویست.»

محدث که در مقدمه خود بر کتاب، از مجهول المؤلف بودن نسائم الاسحار سخن گفته، دلیل خود را برای انتساب تألیف این کتاب به ناصرالدین منشی کرمانی، شباهت فراوان بین «اسلوب عبارت و سبک انشا و روش بیان» این کتاب با آثار دیگر مؤلف مانند: *سمط العلی للموقف الاعلی* و *درة الاخبار و لمعة الانوار* می‌داند.

کتاب از ذکر وزرای خلفای راشدین آغاز شده و به ترتیب اسامی وزرای دولت‌های سامانی، غزنوی، سلجوقی،

کتاب نسائم الاسحار من لطائم الاخبار که در تاریخ وزراء می‌باشد تألیف ناصرالدین منشی کرمانی است و در سال (۷۲۵ هـ. ق.) نوشته شده است. این کتاب به تصحیح، مقدمه و تعلیق مرحوم میرجلال‌الدین حسینی ارموی (محدث) به چاپ رسیده است.

مرحوم محدث درباره اهمیت این کتاب می‌نویسد: «این کتاب از جنبه تاریخی و از جهت نثر فارسی اهمیت و ارزش بسزایی دارد و در باب خود از کتب نفیسه مهمه بی‌نظیر به شمار می‌رود چنانکه از ملاحظه مطالب کتاب و مطابقت آن با مطالب دستور الوزراء خواندمیر و آثار الوزراء سیف‌الدین حاجی عقیلی برمی‌آید این کتاب أس اساس و مبنای اصلی آن دو کتاب بوده است» (مقدمه ص ب).

محدث برای اثبات ادعای اهمیت کتاب چهار مورد را برشمرده که در ادامه ذکر می‌گردد:

۱. رعایت حداعتدال و میزان عدالت نویسنده کتاب در بیان احوال اشخاص و احتراز از مدح و سب بی‌مورد.
۲. اعراض از ذکر مطالب غیرسودمند.
۳. فصاحت و شیوایی قلم نویسنده که می‌توان اثرش را از اطناب ممل و ایجاز مخل بری دانست.
۴. اخذ مطالب کتاب از مأخذ معتبر و ثقه یا معاینه

مهمترین نقص فاحش کتاب نسائم الاسحار، عدم ذکر نام وزرای آل بویه است

یحیی بن خالد برمکی و فضل بن ربیع به عنوان دو وزیری که در دوره هارون الرشید وزارت یافته‌اند بین دو مؤلف اختلاف نظری وجود ندارد ولی مؤلف نسائم دیدگاه خود را در باب پیامدهای عزل و قتل یحیی چنین بیان می‌کند: «... استیصال برامکه بر هارون نامبارک آمد و دولتش روی به انحطاط نهاد و خراسان و اکثر بلاد عجم شوریده گشت.» (ص ۱۸)

ناصرالدین منشی پس از اعلام این که مأمون وزارت را به فضل بن سهل سپرد از توانایی و درایت او سخن گفته و درباره علت قتل فضل توسط مأمون می‌نویسد: «به سبب محبت اهل البیت و آل طه و بیس مأمون به قتل او حکم کرد.» (ص ۱۸) مؤلف تاریخ فخری با صاحب نسائم هم عقیده نیست و علت مرگ فضل را چنین بیان می‌دارد: «فضل بن سهل در زمان خود یکبار به مأمون استیلا یافت و در راه گرفتن خلافت برای او و قیام و کوشش درباره آن به هر امری توسل جست از جمله آن که کلیه اخبار را از وی قطع کرد و چون پی می‌برد که کسی نزد مأمون رفته خبری به او داده است در آزار و مجازاتش کوشش می‌کرد از این رو مردم از سخن گفتن با مأمون خودداری می‌کردند و طبعاً اخبار از وی پوشیده می‌ماند... مأمون برای رضایت آن گروه از بنی عباس که ابراهیم بن مهدی را به عنوان جانشین مأمون تعیین کرده بودند به قتل فضل پرداخت.»^۵

مؤلف نسائم الاسحار سپس به معرفی وزرای خاندان بنی عباس می‌پردازد که این امر صفحات ۱۹ تا ۲۱ کتاب را دربرمی‌گیرد.

ناصرالدین منشی قبل از ذکر اسامی وزرای دوره سامانی، ۸ تن از وزرای خاندان بنی عباس را نام برده و در مورد ویژگی‌های اخلاقی هر کدام مطالبی بیان می‌کند. در ذکر وزرای پادشاهان سامانی، به ۷ وزیر اشاره کرده است که از میان آنها دو تن به نام‌های ابوالفضل بلعمی و ابونصر بن ابوزید بر اثر تحریک و دسیسه‌های مخالفان همچون خمار تکین سپهسالار در دوره نوح سامانی و غلامان ترک به قتل رسیدند و آخرین آنها به نام ابوالمظفر برغوشی به علت مخالفت فائق سپهسالار سامانی مجبور به استعفا شد. (ص ۳۵-۳۹)

ناصرالدین منشی در بخش وزرای دولت غزنوی از ۱۰ وزیر نام می‌برد که ۴ تن آنان توسط غلامان و سپهسالاران ترک به قتل رسیدند. یکی از آنان به نام عبدالحمید بن احمد بن عبدالصمد ۲۲ سال وزارت سلطان ابراهیم و ۳۷ سال وزارت سلطان مسعود بن ابراهیم را به عهده داشت. (صص ۳۹-۴۷) اما در نهایت گرفتار سرنوشتی شوم گشت. ناصرالدین منشی از ۳۳ وزیر سلجوقی نام می‌برد که ۱۶ تن از آنان هر یک به نحوی به قتل رسیده‌اند. نخستین وزیر سلجوقی، عمیدالملک کندری بود که وزارت طغرل را به عهده داشت و در روزگار البارسالان به قتل رسید ناصرالدین در مورد قتل او چنین ذکر می‌کند که: «... بعضی آورده‌اند که قاصد و ساعی در نفی او - عمیدالملک - خواجه نظام الملک بود.» (ص ۴۹) اگرچه مؤلف نسائم الاسحار درباره نقش خواجه نظام الملک در قتل عمیدالملک به طور رسمی به موضع‌گیری نمی‌پردازد ولی همین عبارت در منابع دیگر آن دوره نیز به فراوانی آمده است: «پس از جلوس سلطان البارسالان کندری به تحریک خواجه نظام الملک به قتل رسید وی به نظام

کتاب نسائم الاسحار، با ذکر وزرای خلفای راشدین آغاز و به ترتیب اسامی وزرای دولت‌های سامانی، غزنوی، سلجوقی، خوارزمشاهی و ایلخانی را یکی پس از دیگری معرفی می‌نماید

خوارزمشاهی و ایلخانی را یکی از پس دیگری معرفی می‌نماید. مؤلف سعی نموده در معرفی وزرائی که مدت وزارت آنها کوتاه بوده، به ذکر نام و نسب اکتفا کند و از فرجام خوب و بد آنان مطالبی ذکر نماید. در این کتاب می‌توان سعایت و دسیسه چینی امرای نظامی علیه وزیران و نقش قاطع اتابکان منتفذ در عزل و نصب وزیران و در برخی مواقع همنوایی برخاسته از ناتوانی پادشاهان را با دشمنان وزیران ملاحظه کرد. با مطالعه این کتاب می‌توان گفت، کمتر وزیری عاقبتی خوش و سعادت‌آمیز داشته است حتی پرآوازه‌ترین وزیران هم پایان دردناک و اندوهباری را تجربه کرده‌اند.^۲

مؤلف نخستین قسمت کتاب را پس از ذکر مقدمه که شامل حمد و ثنای خداوند می‌باشد به وزرای خلفای راشدین اختصاص داده و برای آنها و به طور اعم تا پایان حکومت امویان وزرای هر خلیفه‌ای را ذکر نموده است که در اینجا اسامی وزرا را از دوره ابوبکر تا پایان امویان از این کتاب نقل می‌کنیم:

نام خلیفه	نام وزیر
ابوبکر صدیق	عثمان بن عفان
عمر بن خطاب	عبدالله بن ارقم
عثمان بن عفان	مروان بن حکم
علی بن ابیطالب (ع)	عبدالله بن ابی‌رافع
معاویه بن ابی‌سفیان	سرجون بن منصور رومی
مروان بن حکم	قعقاع بن عیسی
عبدالملک بن مروان	قعقاع بن عیسی
ولید بن عبدالملک	قعقاع بن عیسی
سلیمان بن عبدالملک	سلیمان بن نعیم حمیدی
عمر بن عبدالعزیز	جراح بن عبدالله حکمی
یزید ناقص	بکیر بن شماخ لخمی

(صص ۱۲-۱۳)

مؤلف به درستی از وزارت ابوسلمه خلال همدانی و پس از قتلش توسط ابوعبدالله سفاح نخستین خلیفه عباسی از وزارت خالد بن برمک یاد می‌کند، ولی در ذکر نام وزیر منصور عباسی، بین مؤلف نسائم الاسحار و مؤلف تاریخ فخری، اختلاف نظر وجود دارد ناصرالدین منشی وزیر منصور را خالد بن سلیمان دانسته (ص ۱۶) در حالی که ابن طقطقی از وزارت ابویوب موریانی سخن گفته است.^۳

ناصرالدین منشی وزیر هادی را ابوالعباس بن سلیمان طوسی معرفی می‌کند ولی ابن طقطقی از وزارت ربیع بن یونس و پس از آن، ابراهیم بن دکوان یاد می‌نماید.^۴ در معرفی



نکته مشترک و مهم در ارتباط با بیشتر وزرای ایرانی، سرنوشت شوم آنها می‌باشد؛ که به خوبی در کتاب مشهود است

اختلاف بین ملکشاه و خواجه نظام الملک، علت این اختلاف و پیام‌های رد و بدل شده بین آنها از خواندنی‌ترین بخش‌های کتاب نَسَائِمِ الاسحار

به شمار می‌رود

و سرنوشتی بهتر از همتایان خود در دوره‌های قبلی نداشته‌اند.
(صص ۹۴-۹۹)

آخرین بخش کتاب به ذکر وزرای ایلخانیان اختصاص دارد.
مؤلف به ۹ وزیر اشاره کرده است که ۴ نفر از آنان به قتل رسیده‌اند.
ناصرالدین در مورد رشیدالدین فضل‌الله می‌نویسد: «... چون
ختم کار او بر شهادت و تکمیل اسباب سعادت آمد از وی اخلاف
صدق و فرزندان خلف ماندند» (ص ۱۱۳) وی به جزئیات و علل
قتل خواجه رشیدالدین نپراخته ولی سراسر نوشته‌اش درباره
خواجه مشحون از الفاظ توأم با احترام و ارادت می‌باشد.

در پایان لازم به ذکر می‌باشد که در طی دو مقاله که در
ماهنامه کیهان فرهنگی به چاپ رسیده کتاب نَسَائِمِ الاسحار
در یک بررسی کلی که بیشتر اهتمام نویسنده به توضیح برخی
واژه‌ها و لغات و ادعاهای نویسنده مصرف است و دیگری در
تکریم و ارج نهادن به مصحح فقید مرحوم محدث ارموی
مربوط است که نشان دقیق آن مقالات در پانویس‌ها به
اطلاع خوانندگان محترم می‌رسد.

ذکر این گفته ضروری است که کتاب نَسَائِمِ الاسحار
من لطائف الاخبار یکی از ارزنده‌ترین منابعی است که به
درگیری و کشمکش دیرینه دو گروه صاحب نفوذ جامعه ایرانی
یعنی مردان اهل قلم (دیوانسالاران) و مردان اهل شمشیر
(نظامیان) پرداخته است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. زرین کوب، عبدالحسین: تاریخ ایران بعد از اسلام، چاپ
چهارم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳، ص ۶۸.
 ۲. حمیدی، سیدجعفر: وزیرکشان، کیهان فرهنگی، سال دوم،
اسفندماه ۱۳۶۴، شماره ۱۲، صص ۱۵-۱۷.
 ۳. ابن طقطقی (محمدبن علی بن طباطبای)، تاریخ فخری،
ترجمه محمد وحید گلیایگانی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی،
چاپ سوم ۱۳۶۷، ص ۲۳۷.
 ۴. همان، ص ۲۶۳.
 ۵. همان، صص ۳۰۲-۳۰۳.
 ۶. بویل، ج. آ.: تاریخ ایران کمبریج، ترجمه حسن انوشه، جلد
پنجم، چاپ دوم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱، ص ۶۰.
- اصل کتاب مکاتیب فارسی غزالی، فضایل الانام من رسائل
حجة الاسلام می‌باشد که به تصحیح و اهتمام شادروان عباس اقبال
توسط انتشارات امیرکبیر در سال ۱۳۶۲ به چاپ رسیده است.
- احمدزاده، ناصر: نَسَائِمِ الاسحار من لطائف الاخبار، کیهان
فرهنگی، سال سوم، آبان ماه ۱۳۶۵، شماره ۸، صص ۲۲-۲۴.
- به یاد استاد میرجلال‌الدین محدث ارموی، کیهان فرهنگی،
سال دوم، آبان ماه، ۱۳۶۴، صص ۳۶-۳۷.

الملک هشدار داد که: بددعتی و زشت قاعدتی در جهان
آوردی به وزیر معزول کشتن، ارجو که این سنت در حق
خویشتن و اعقاب بازبینی» ناصرالدین منشی علت
ناخرسندی و تیرگی روابط ملکشاه و خواجه نظام الملک را
درواگذاری مقامات و پست‌ها از سوی خواجه نظام الملک به
خویشاوندان خود ذکر کرده و می‌نویسد: «... فرزندان و
دامادان و غلامان را به ایالت و حکومت و امارت در ممالک
منتشر گردانید و ثغور اسلام را بدیشان معمور و محکم
فرمود.» (ص ۵۰) این واقعیت در منابع تاریخی دیگر هم آمده
است.

اختلاف بین ملکشاه و خواجه نظام الملک، علت این
اختلاف و پیام‌های ردوبدل شده بین آنها از خواندنی‌ترین
بخش‌های کتاب نَسَائِمِ الاسحار به شمار می‌رود مؤلف در این
مورد می‌نویسد: «... به آخر عهد سلطان ملکشاه، تاج الملک
ابوالغنائم از وزیرزادگان شیراز و مجدالملک ابوالفضل از
بروستان قم که مشرف ملک بود در قصد او - خواجه - اتفاق
کردند و به تربیت و تقویت ترکان خاتون مادر فرزندان سلطان
نکایت ایشان مؤثر آمد و از سلطان پیغامی ممض به خواجه
رسید مشتمل بر آنکه: ممالک مرا به فرزندان دادی و در
ولایات دامادان نشاندی و در اطراف ملک غلامان گماشتی، و
در اکتاف بلاد خویشان پراکندی و به هر ناحیت از ایران و
توران نواب فرستادی، مگر در ملک شریک و انباز منی؟
بفرمایم تا دوات از پیشت بردارند و مردم را از استتالت تو
برهاند خواجه به جواب گفت: سلطان امروز می‌داند که من و
فرزندان با او در ملک شریکیم سی سال شد تا این قاعده
مطرد است اما دوات را که فرموده است اگر از پیش من
بردارند تاج او نیز بردارند که کاردان قضا و قدر در دیوان ازل
آن تاج و این دوات را بهم نهاده‌اند و انفکاک متصور نباشد.»
(صص ۵۰-۵۱)

در میان اسامی وزرای دولت سلجوقی می‌توان به چهار
وزیر به اسامی درگزینی بر خورد کرد: ۱- قوام‌الدین ابوالقاسم
درگزینی ۲- شمس‌الدین درگزینی ۳- جلال‌الدین درگزینی ۴-
قوام‌الدین ابوالقاسم درگزینی

گفتنی است که دو وزیر با نام مشابه قوام‌الدین ابوالقاسم
درگزینی در دوره سلجوقی منصب وزارت داشته‌اند اما
درگزینی معروف که از او به بدنامی یاد می‌شود قوام‌الدین
ابوالقاسم درگزینی وزیر دوره سلطان سنجر سلجوقی است که
مظالم و بیدادگری‌های او به حدی بود که فریاد محدث و فقیه
نام‌آور دوره سلجوقی یعنی امام محمدغزالی را در کتاب
مکاتیب فارسی غزالی برانگیخته است.

ناصرالدین منشی ضمن معرفی درگزینی در این عبارت:
«بر سفک دماء و استیصال اکابر دولت اقدام نمود» (ص ۷۵)
به قتل «خواجه عزیزالدین اصفهانی» مستوفی الممالک
سلطان سنجر و نیز قتل «عین‌القضات همدانی» عالم معروف
به دستور او اشاره نموده است. (صص ۷۶-۷۵)

تنها تشابهی که می‌توان در فرجام کار اولین و آخرین
وزیر دوره سلجوقی مشاهده نمود قتل عمیدالملک کندی و
معین‌الدین وزیر است مؤلف نَسَائِمِ الاسحار در ذکر وزرای
سلطین خوارزمشاهی، ۴ وزیر را معرفی می‌کند و نکته جالب
این است که سه تن از این وزرا هرکدام بنا به عللی کشته شده